

کشورهای در حال توسعه ، واردات مواد غذایی

در سال جاری، کشورهای در حال توسعه، بیش از ۴ برابر مقدار سال ۱۹۶۰، غلات وارد می‌کنند. فقط یک دوازدهم از این مقدار به عنوان کمکهای غذایی به آنان اعطا خواهد شد. مقدار این کمتهای از سال ۱۹۶۰ کمتر است. هزینه خرید بقیه آن در بازارهای تجاری جهان، بالغ بر ۲۱ میلیارد دلار می‌شود، که برابر با یک چهارم دخایر کشورهای در حال توسعه غیر نسی است. از این موضوع می‌توان دو نتیجه علط گرفت

۱. افزایش واردات مواد غذایی، زیاده از حد سریع است، و به این معنی است که کشورهایی که باید مواد غذایی خود را در داخل تولید کنند، به واردات مواد غذایی متکی شده‌اند؛ و
۲. هر چه کشوری فقیرتر باشد، مجبور است برای کم کردن فاصله بین مقداری که تولید می‌کند و مقداری که نیاز دارد، بیشتر وارد کند.

به طور کلی، افزایش واردات، از آنچه به نظر می‌رسد، آهسته‌تر است. کشورهای در حال توسعه، واردات خود را فقط اندکی سریعتر از مقدار افزایش در تجارت غلات در مجموع، افزایش داده‌اند. سهم جهان سوم از این تجارت، فقط اندکی افزایش یافته است. از ۳۸ درصد به ۴۴ درصد در ۲۰ سال گذشته.

نمودار ۱

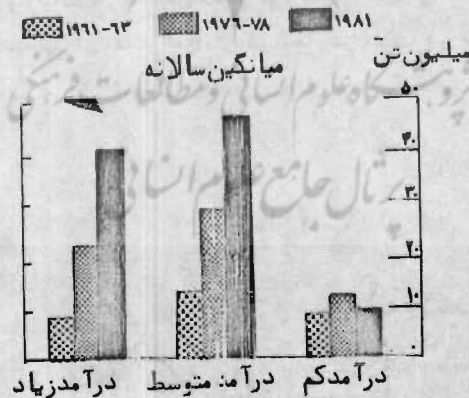


به علاوه، اکنون نسبت به سال ۱۹۶۰، در کشورهای جهان سوم، تعداد کمتری از جمعیت با محصولات زراعی داخلی تغذیه می‌کنند. نسبت مصرف مواد غذایی که به وسیله واردات تأمین می‌شود، از ۸ درصد در سالهای ۱۹۶۱-۱۹۶۵، به ۱۱ درصد در سالهای ۱۹۷۶-۱۹۷۸ رسیده است. به طور کلی، میانگین جهانی، تفاوت‌های عظیم محلی را پنهان نگاه می‌دارد. در آفریقای سیاه، ۹۰ درصد مردم در کشورهای زندگی می‌کنند که برای کمتر از ۱۰ درصد از مواد غذایی خود به واردات متکی هستند. اما در بعضی کشورهای دیگر این قاره، آهنگ افزایش واردات مواد غذایی، بیش از ۵ درصد در سال است. بیشتر کشورهای آمریکای لاتین و خاور میانه، بسیار زیاده‌تر از این به واردات متکی هستند. ۹۴ درصد از آسیایها در کشورهای زندگی می‌کنند که از لحاظ مواد غذایی، به هیچ‌عنوان خود کفا نیستند.

چرا این تفاوت‌ها وجود دارد؟ مهمترین دلیل این است که بعضی از کشورها از لحاظ مالی، استطاعت وارد کردن غلات را ندارند، و کمک غذایی کمتری دریافت می‌کنند. در میان ۳۴ کشوری که سرانه تولید ناخالص داخلی آنها از ۳۰۰ دلار در سال کمتر است، واردات غلات (تجاری و اعطایی) از سال ۱۹۶۰ به بعد حدود ده میلیون تن در سال نوسان داشته است (نمودار ۲). ۲۸۰ کشور از این کشورها در حال حاضر کمتر از ده درصد مواد غذایی خود را وارد می‌کنند، و از آنجا که جمعیت در حال افزایش است، واردات غلات به‌طور سرانه، در حال کاهش می‌باشد. در سال ۱۹۶۰، فقیرترین این کشورها، بیش از ده کیلوگرم در سال غذای وارداتی مصرف کردند، و اکنون کمتر از ۷/۵ کیلوگرم در سال خواهند داشت.

نمودار ۲

واردات غلات کشورهای در حال توسعه



مجموع ۹۰ میلیون تن افزایش واردات مواد غذایی، به کشورهای در حال توسعه‌ای رسیده است که کمتر فقیر بودند (یعنی آنها که دارای سرانه تولیدات ناخالص داخلی بیش از ۳۰۰ دلار در سال بوده‌اند). این ۶۵ کشور، واردات مواد غذایی خود را از ۱۰ میلیون تن در سال ۱۹۶۰، به تقریباً "۱۰۰"

میلیون تن در سال جاری افزایش داده‌اند. بیش از سه چهارم این کشورها، برای بیش از ده درصد غذای خود متکی به واردات غلات هستند. آنهایی که درآمدی بیش از ۹۰۰ دلار در سال دارند (مثل سنگاپور و برزیل)، واردات سرانه غلات خود را سه برابر کرده و از ۳۳ کیلوگرم در سال به ۹۶ کیلوگرم در سال رسانده‌اند. کشورهای دارای درآمد متوسط (با سرانه تولید ناخالص داخلی بین ۳۰۰ و ۹۰۰ دلار در سال، مثل اردن و ساحل عاج) واردات سرانه غلات خود را از ۱۳ کیلوگرم به ۳۰ کیلوگرم در سال افزایش داده‌اند.

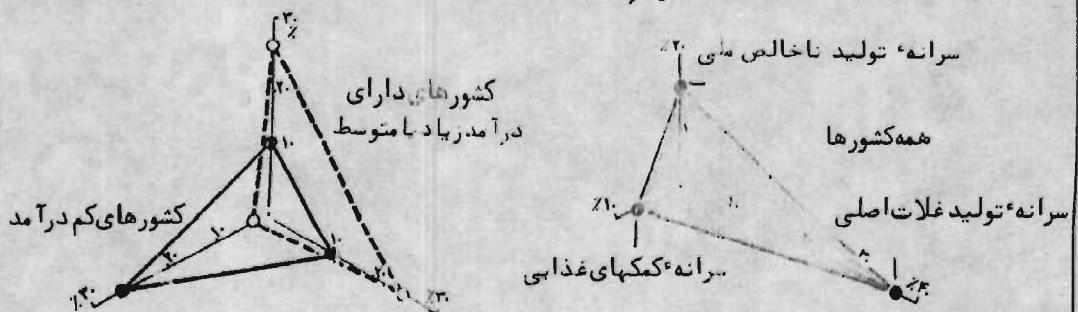
آیا این ارقام بدین معنی است که این کشورها بیش از حد واردات مواد غذایی دارند؟ نه، لزوماً. رشد سریع و صورت حساب غذایی بزرگ معمولاً همراه یکدیگر هستند. کشورهای غلات آنها به سرعت افزایش می‌یابد (بیش از ده درصد در سال)، در سالهای اواسط دهه ۱۹۷۰، معادل ۱۳/۶ میلیون تن بیش از سال ۱۹۶۰ واردات مواد غذایی داشتند. در حدود ۱۳ میلیون تن از این واردات، وارد کشورهایی شد که آهنگ رشد تولید ناخالص ملی آنها بیش از ۷ درصد در سال بود.

بزرگترین دلیل برای افزایش اتکا بر واردات مواد غذایی، کمبود تولید سرانه کشاورزی است. رشد تولید ناخالص ملی، و کمکهای غذایی دلیل دوم است. ولی به طور کلی، تأثیر این سه عامل بسیار متفاوت است. شکلهای متفاوت مثلثها در نمودار ۳، مسئله را روشنتر می‌سازد. در مورد کشورهای غنی‌تر، تقریباً "بیشتر افزایش اتکا به واردات مواد غذایی به وسیله سرانه تولید ناخالص ملی و سرانه تولیدات رزاعی مشخص می‌شود. در مورد کشورهای ثروتمند، کمکهای غذایی چندان تأثیری ندارد. به عبارت دیگر کشورهای غنی بر جهان سوم، مواد غذایی را به این دلیل وارد می‌کنند که یا مزارع آنها جوابگوی نیازهایشان نیست، و یا اینکه کشاورزان آنها، کار کشاورزی را ترک می‌کنند تا به کار در کارخانه‌های روه رشد بپردازند. در فقیرترین کشورها، رشد و کمبودهای زراعی، به همراه هم، کمتر از کمک غذایی اهمیت دارند. اما اینها کشورهایی هستند که کمترین اتکا را بر واردات مواد غذایی دارند.

نمودار ۳

تغییرات واردات غلات*

مقدار تغییر در اتکا به واردات بر اساس تغییرات:



* ارقام مربوط به ۹۹ کشور در حال توسعه است.

نتیجه اینکه، دادن کمکهای غذایی به کشورهای فقیر، لزوماً "کشاورزان محلی را دلسرد نمی‌کند، اما حداقل جایگزین واردات موادی می‌شود که در غیر این صورت، این کشورها مجبور خواهند بود بهای آن را بپردازند.

از: The Economist. June 2, 1984.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی